

خین جوشون

سروده قهرمان مختاری شهماروند



کتابخانه ملی ایران

مختاری شهماروند، لهرمان، ۱۳۳۲	PIR
خین جوشون / سروده های لهرمان	۳۲۸۴
مختاری لهران : آئزان ۱۳۸۴	
۱۰۰ ص	۳۴۳م/ب
ISBN: 964-6699-46-4	۱۳۸۴
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا	
۱- شعر مختیاری - قرن ۱۴	
الف . عنوان	
۸۵۹/۳۱	PIR ۳۲۸۴/ب ۳۴۳م
۲۳۷۸ خ	۱۳۸۴
۱۳۸۴	
۳۸۲-۲۶۸۷۴	کتابخانه ملی ایران



خین جوشون

انتشارات آئزان

شاعر: قهرمان مختاری شهماروند

طرح جلد: علیرضا نبیثی

ویراستار: اسفندیار بختیاری

سال چاپ: اول ۱۳۸۴

شماره نشر: ۱۵۱

چاپ: چاپخانه هاتف

ISBN: 964-6649-46- 4

شابک: ۹۶-۶۶۹۹-۴۶-۴

انتشارات آئزان: تهران، ص. پ. ۱۴۳۹۵/۷۷۴

فهرست مطالب

۹	بسیجی با وفایه
۱۰	شون یتیم
۱۴	پری جون
۱۵	جوونی یادس بخیر
۱۷	جلد بیو
۱۸	خین جوشون
۲۶	سمیرا
۲۷	گل بهار
۲۹	غم دل باختگان
۳۰	خروسک نادان
۳۳	امان از حرف مردم
۳۵	دایه تو چنده خوی
۳۷	کاگریو
۳۸	فصل خزان
۴۱	دوبیتی‌ها

به نام خدا

بِنامِ خدا که چوینِ آفرید نِسْهادِ وُریلِ ناسُمیدُونِ امید
بِنامِ خداوندِ هَر دو چِهون که پیوندِ کریه نِ گِلِ اسْتِخون
بِنامِ خدایی که پایندیه که روزی رَسونِ بهرِ هَر بَندیه
خدایِ جَلیلِ رَمینِ و رَمون رَفیقو اُمینِ کسِ بی کَسون
که غَمخوارِ یارِ دلِ بی کَس به هَر درِیَمندی هُو قَریادِ رَس
توانا و پینا و هَم شاهده به ایهُو و اوچُو و هَر جا، هیده
کُنه شَرکِ مختاری از چُونِ دل که اُونه بَدنیا نِکریه خِجَل

به نام خدا

خداوندی که آفرید و هستی داد. ستایش او را که توانمان داد تا در راهش گام
بگذاریم و شایسته‌ی فیض او باشیم.

از سرزمینی برایتان می‌گویم که نقاش هستی ماهرانه و هنرمندانه آفریدش.
سرزمینی که صدای چشمه‌ساران، لالایی دلپذیر را به دشت‌هایش می‌خواند.
استقامت سنگ سنگ کوه‌ها، بلوط‌ها، سدرها، صنوبرها و درختانی که دل
سنگ‌ها را شکافته‌اند و تصویری بس زیبا به طبیعت داده‌اند.

رود همیشه خروشان کارون که نامش آشنای همیشگی کشور ماست و بر گرمای
خوزستان ساقی همیشگی است.

زاینده رودی که نامش را از کوه‌رنگ به ودیعه گرفت تا بخروشد و چون نگینی در
دل گویر اصفهان بدرخشد.

زرد کوه مظهر استقامت و سربلندی در قلب وادی بختیاری که چون فرهنگ
اصیل بختیاری استوار و پا بر جا مانده است. مسجد سلیمان که مهد طلای سیاه
است.

سرزمینی که دلبران و سردارانش غرور را به میهن اسلامی‌مان آوردند.
سردار رشیدی چون شهید شهنی فیض و نوگلی نشکفته چون نوذر عالی‌پور و
هزاران نوگل دیگر که مثنوی‌ها می‌خواهد تا وصف کند خصلت‌های این دلبران را.

هنوز صدای غرش موشک‌ها را از کوچه کوچه‌ی این شهر می‌توان شنید.

خرابه‌ها و ویرانه‌هایی که یادگار آن روزها هستند.

هنوز بر سنگ سنگ کوه‌ها، ردپای نام‌آوران بختیاری بر جای مانده است.

و هنوز پژواک نفیر تفنگ‌ها در کوه‌ها می‌پیچد.

صدای سُم اسبانی که صحراها را در غباری از خاک به انتظار طوفان می‌نشانند.

و اما دست‌نشانده‌گانی که می‌خواستند فریادها را در گلو خفه کنند و سکوت و

تاریکی اجنبی را بر روزگاران ایران حاکم کنند.

می‌خواستند صدای کوچ قوم را در همه‌های به نام تمدن و ترقی خاموش کنند.
تخت قاپو شاهی است که در تاریخ برای ننگ رضاشاه و اربابان اجنبی‌اش به
یادگار مانده است.

مگر می‌شود رودخانه‌ی پر خروش کوچ ایل را به مردابی از تعفن تبدیل کرد.
مگر می‌شود صدای فریاد ابوالقاسم خان، علی‌مردان خان و نام‌آوران دیگر را در
سینه نداشت و چغاور را به خاموشی نشانند.

هنوز یادمان نرفته که در انقلاب مشروطه، دلیرمردان بختیاری به یاری
مشروطه‌خواهان آمدند و کرمان، یزد، تهران، اصفهان، شاهد فتح این دلیران است تا
انقلاب را به اوج پیروزی و افتخار رسانند.

تاریخ می‌داند که آنان آمدند تا وجود اجنبی را در خاک پر افتخار ایران به گور
بسپارند.

تاریخ به رشادت‌های دلیرمردان بختیاری گواهی می‌دهد، اگرچه شاید روزگار
آنها را به فراموشی بسپارد.

آنجا که انگلیسی‌ها با سلاح «تفرقه بینداز و حکومت کن» آمدند تا چهار لنگ و
هفت لنگ را به بیگانگی بکشانند و سردی روزگار خویش را بر کشور ما حاکم کنند،
اما نمی‌دانستند که اینجا مرز پر گهری است که نام‌آوران در خود پرورانده است.

باید واژه فرنگ «فرهنگ» را از لابه‌لای کتاب اصیل بختیاری به معنا نشانند.
واژه‌ای که در برابر لغات بیگانه و غریب، آشنای این دیار است. دیار پر افتخار
سرزمین ما.

سرمد ملک سلیمان است دیار بختیاری

مسکن شیران دوران است دیار بختیاری

دیاری که نامداران و افتخارآفرینانش هنوز بر این خاک بوسه می‌زنند. و تا پای
جان برای دین و خاک ایران جان‌فشانی خواهند کرد.

قهرمان مختاری شهماروند